

نایب حسین کاشانی در خور بیابانک

تألیف و تدوین

سیدعلی آل داود

www.ketab.ir

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۴



www.ketab.ir

سرشناسه : آل داوود، سید علی، ۱۳۳۱ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور : نایب حسین کاشانی در خوریابانک
مشخصات نشر : تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری : ۱۲۰۸ ص. : مصور
فروست : کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴۲۳
شابک : 978-600-220-228-4
وضعیت فهرست‌نویسی : فبیای مختصر
یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlar.ir> قابل دسترسی است.
یادداشت : کتاب‌نامه: ص. ۱۱۳۳ - ۱۲۰۷.
یادداشت : نمایه
شناسه افزوده : ایران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۲۱۹۶۰



نایب حسین کاشانی در خوربیا بانک

تألیف و تدوین: سیدعلی آل داود

صفحه آرا: محمود خانی

حروف نگار: فاطمه هدایتی گودرزی

شماره انتشار: ۴۲۳

نظارت تولید: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

ناظر فنی: نیکی ابوبی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۵۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-228-4

انتشارات و توزیع:

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی: تهران، میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام،

نیش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم، تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

www.Ical.Ir نشانی سایت اینترنتی:

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

به نام صورت آرای معانی

در اواخر پادشاهی مظفرالدین شاه و مقارن با حوادثی که منجر به انقلاب مشروطه شد، حوادث گوناگونی در گوشه و کنار کشور به وقوع پیوست که متعاقب آن، بخش‌هایی از ولایات ایران، دچار آشوب و ناامنی گردید، یاغیان و آشوبگران در جاهای مختلف کشور سر برآورده و عرصه زندگی را بر مردم، خاصه طبقات تنگدست و فقیر، تنگ کردند، از جمله در مناطق مرکزی ایران، چند آشوبگر قدرتمند، سال‌های طولانی از هرج و مرج به وجود آمده استفاده کرده و برخی شهرها و روستاها را به تصرف درآورده و به غارت اموال مردم و دستبرد به کاروانها و مسافران بین راه‌ها پرداختند.

در شمار این یاغیان، باید از نایب حسین کاشانی و فرزندش ماشاءالله خان نام برد، آن دو همراه با کسان و افراد متعدد خود، بیش از ده سال، مناطق مرکزی ایران از قم تا یزد و خوریابانک و سمنان را در معرض تهاجمات گسترده قرار دادند. کتاب حاضر، متضمن تحقیق در این موضوع است به انضمام اسناد و مدارکی از آنان که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. مؤلف در این کتاب، اطلاعات مفیدی در باب اعمال این دسته و خرابکاری‌های آنان به دست داده است.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

فهرست مندرجات

مقدمه	۱۱ - ۱۷
فصل اول	۱۹ - ۴۱
بخش اول: بررسی و سنجش منابع	۲۱ - ۳۲
بخش دوم: پیشینه نایب حسین و دودمان او	۳۳ - ۴۱
فصل دوم: یاغیان کاشان در دوران قدرت	۴۳ - ۹۲
۱- کشتار مخالفان	۴۷ - ۴۹
۲- ماجرای قتل آقا علی نراقی	۴۹ - ۵۱
۳- کشتن نایب حسین نراقی	۵۱ - ۵۲
۴- مقابله و درگیری بختیاری‌ها با نایب حسین	۵۲ - ۶۷
۵- اردوکنشی سردار سپه به کاشان	۶۷
۶- ادامه درگیری بختیاری‌ها با نایب حسین	۶۸ - ۷۰
۷- گزیده منظومه شجره حیات	۷۰ - ۷۲
۸- عین‌الدوله و یاغیان کاشان	۷۲ - ۷۴
۹- قراسورانی راه‌های کویری و مرکزی ایران	۷۵ - ۷۷
۱۰- رابطه نایب حسین با کارگزاران دولت روسیه در ایران	۷۷ - ۷۹
۱۱- انگلیسی‌ها و یاغیان کاشان	۷۹ - ۸۰

- ۱۲- همکاری آلمان‌ها و ماشاءالله خان از میانه جنگ جهانی اول ۸۰-۸۲
- ۱۳- پیوستن به کمیته ملی مهاجرت، سفر به ساوه و کرمانشاه ۸۲-۸۵
- ۱۴- نایب حسین و سایر گردن‌کشان و یایان ۸۶-۸۹
- ۱۵- قلعه کهرشاهی، پناهگاه امن یایان کاشان ۸۹-۹۲
- فصل سوم** ۹۳-۱۶۴
- بخش اول: یورش‌های نایب حسین به خوریابانک** ۹۵-۱۲۹
- ۱- ورود نایب حسین و ماشاءالله خان به بیابانک ۹۸-۱۰۲
- ۲- دومین تهاجم به بیابانک ۱۰۲-۱۰۸
- ۳- پیوستن محمدعلی گنابادی به نایب حسین در جندق ۱۰۸-۱۰۹
- ۴- ماجرای غفورآباد و خاندان توکل ۱۰۹-۱۱۱
- ۵- سومین تهاجم نایب حسین به بیابانک ۱۱۱-۱۱۲
- ۶- محاصره قلعه بیاضه ۱۱۲-۱۱۳
- ۷- کشته شدن میرزا آقاجان امام جمعه مهرجان ۱۱۳-۱۱۵
- ۸- آخرین هجوم یایان کاشان به بیابانک ۱۱۵-۱۱۹
- ۹- فتح طبس و آتش زدن کتابخانه بزرگ شهر ۱۱۹-۱۲۱
- ۱۰- تسخیر یزد و برکناری شاهزاده شهاب‌الدوله ۱۲۱-۱۲۳
- ۱۱- روابط نایب حسین و ماشاءالله خان با انتظام‌الملک و سهام‌السلطنه ۱۲۴-۱۲۹
- بخش دوم: پایان غائله کاشان** ۱۳۱-۱۶۴
- ۱- دستگیری و اعدام ماشاءالله خان ۱۳۱-۱۴۵
- ۲- دستگیری و اعدام نایب حسین ۱۴۶-۱۵۲
- ۳- یاران و همراهان مهمتر نایب حسین ۱۵۳-۱۵۶
- ۴- خصائص نیک و بد و آثار خیر ماشاءالله خان ۱۵۷-۱۵۹
- ۵- نایب‌بان در ادبیات عصر مشروطه ۱۵۹-۱۶۰
- ۶- سرنوشت بازماندگان ۱۶۱-۱۶۴

فصل چهارم: هشت مقاله در نقد و بررسی منابع	۲۵۸ - ۱۶۵
۱- حوادث عصر مشروطه در مناطق مرکزی ایران	۱۶۷ - ۱۷۹
۲- معمای فتح‌نامه نایی	۱۸۱ - ۱۹۵
۳- نایب حسین کاشی از دیدگاه مجتهدی روشنفکر	۱۹۷ - ۲۰۲
۴- شیوه‌های نو در تفسیر اسناد تاریخی	۲۰۳ - ۲۱۳
۵- نامهٔ منتخب‌السادات جندقی به ملک‌الشعراى بهار	۲۱۵ - ۲۱۷
۶- گزارش در ستایش نیاکان	۲۱۹ - ۲۳۶
۷- اسناد یورش‌های نایب حسین کاشانی در کتابخانه مجلس	۲۳۷ - ۲۴۴
۸- فرمانروایی مسعود لشکر در جندق و بیابانک	۲۴۵ - ۲۵۸
فصل پنجم: عصر ناامنی، فرمانروایان خوریابانک پس از نایب حسین	۲۵۹ - ۲۶۸
۱- ماجرای سرهنگ تورزنی و هم‌دستان او	۲۶۳ - ۲۶۵
۲- حکومت مسعود لشکر	۲۶۵ - ۲۶۸
فصل ششم: اسناد واقعه نایب حسین و ماشاءالله خان در کتابخانه مجلس	۲۶۹ - ۲۷۲
اسناد چاپ نشده سازمان اسناد ملی ایران	۴۷۵ - ۴۸۷
اسناد گوناگون راجع به نایب حسین و ماشاءالله خان	۴۸۹ - ۵۰۹
اسناد نایب حسین در خوریابانک، از سازمان اسناد ملی ایران	۵۱۱ - ۵۲۷
فصل هفتم: نایب حسین در اسناد خانوادگی	۵۲۹ - ۵۷۴
فصل هشتم: فتح‌نامه نایی	۵۷۵ - ۷۲۶
فصل نهم: گزیده فتح‌نامه ساختگی	۷۲۷ - ۷۶۱
فصل دهم: ضمايم	۷۶۳
ضمیمه اول: ماجرای یورش‌های نایب حسین کاشانی و فرزندش ماشاءالله خان به خوریابانک	۷۶۵ - ۷۷۱
بخش اول: خاطرات کودکی	۷۶۹ - ۸۴۷
بخش دوم: خاطرات کودکی	۸۴۹ - ۹۰۳

بخش سوم: مصاحبه فرمان و دیگران	۹۵۲-۹۰۵
بخش چهارم: نوشته طغرا و قصیده عبرت نائینی	۹۷۱-۹۵۳
ضمیمه دوم: اختناق کاشان	۱۰۲۲-۹۷۳
ضمیمه سوم: فهرست اموال منقول و غیر منقول ماشاءالله خان کاشانی	۱۰۴۹-۱۰۲۳
فصل یازدهم: اسناد و تصاویر	۱۱۳۲-۱۰۵۱
منابع	۱۲۰۷-۱۱۳۳
فهرست ها	۱۲۰۷-۱۱۴۵
اعلام	۱۱۸۴-۱۱۴۷
جاها	۱۲۰۲-۱۱۸۵
کتابها و نشریات	۱۲۰۷-۱۲۰۳

مقلمه

هزار و سیصد و هشت و دوده بود که شد «خور» آشیان آتش و دود
حسین کاشی آمد با پسرهایش که در تاریخ می خوانی خبرهایش
چه بی امنیت و بیچاره گشتیم به نائین از وطن آواره گشتیم
حبیب یغمائی
منظومه سلام آباد

دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهم - خور بیابانک - با شنیدن روایات تاریخی قصه مانند یورش های مداوم نایب حسین کاشانی و ماشاءالله خان و فرزندان و لشکریان آنان سپری کرده ام. در آن سال ها یعنی حدود چهل و چند سال پیش، هنوز برخی پیرمردان و پیرزنان شاهد آن ماجراها در قید حیات بوده و از دیده ها و شنیده های دهشت انگیز خود سخنان باور نکردنی بسیار به یاد می آوردند. آنان از آدم کشی ها، غارتگری ها، ضرب و شتم های بی حد مردم و تصاحب زنان و دختران، داستان های عجیب و حیرت آور بیان می کردند که شنونده نمی توانست به آسانی آنها را قبول کند. اینان نقل می کردند که نایب حسین همواره در یک جیب خود چاقو و در جیب دیگرش سنگ چاقو تیزکنی آماده داشت و چون کسی را نزد او می آوردند که به زعم آنان مرتکب گناهی شده بود، وی بی درنگ چاقوی خود را تیز و لاله گوش یا عقب پایش را می برید. او هرگز کسی از گنه کاران را از عقوبت کردن و

بریدن گوش و پا معاف نمی داشت. ساکنان فلک زده و بیچاره بیابانک هرگاه خبر نزدیک شدن نایب حسین و اتباع او را که معمولاً در حدود ۷۵۰ نفر بودند می شنیدند، نخست اموال و اشیاء بالنسبه ارزنده تر خود را در شکاف دیوارها، چاه ها یا در محفظه بین سقف خانه و پشت بام مخفی کرده و سپس حتی المقدور از محل پا به فرار می گذاشتند. هنوز هم در وقت تخریب یا تعمیر خانه های قدیمی اشیائی از این قبیل به دست می آید.

نایب حسین جمعاً سه بار و به روایت دیگر چهار بار به خوریابانک یورش آورد. نخستین هجوم در سال ۱۳۲۷ق/ رخ داد و آخرین آنها در سال ۱۳۳۰ق. به این ترتیب در مدتی حدود چهار سال مردم این محل از بیم هجوم های ناگهانی آنان، آماده فرار بوده، گروهی که در زمره، متمکنان محل به شمار می آمد و نسبت به مردم عادی تمولی داشتند به شهرهای بزرگ حاشیه کویر چون سمنان، دامغان، شاهرود، یزد، سبزوار، طبس و نائین پناه برده، تا زمان حضور یاغیان در آن جاها آواره و سرگردان روزگار به سر می بردند. گروهی دیگر که بی بهره از مواهب مادی بوده اما توانایی جسمی خوبی داشتند راه بیابان ها، کوهسارها، مغاره ها و روستاهای دور دست را در پیش گرفته مدتی در آنجا به سر می بردند تا خبر بازگشت کاشی ها را شنیده به وطن بازمی گشتند. سومین گروه درمانده تر از همه، نه امکان گریز به شهرها و نه پای فرار به کوهستان ها را داشته در وطن باقی مانده و در معرض انواع ستم ها و سرقت ها و زورگویی های نایبی ها قرار می گرفتند.

نایب حسین نخست بار هنگام فرار از دست نیروهای دولتی که به تعقیب او تا کاشان آمده بودند در سال ۱۳۲۷ق خود را به خوریابانک رساند. او از عهده مقابله با افراد ایل بختیاری که به دستور دولت مشروطه خواه به جنگ او آمده بودند بر نیامد نخست به اردستان رفت و چون بختیاری ها به سرعت خود را به آن شهر رساندند او از آنجا خود را به زواره و سپس به شهربابک رساند و فاصله شهربابک تا انارک - شهرکی که در مدخل مسیر بیابانک قرار دارد - را خیلی سریع طی کرد. در

انارک به سرمی برد که انتظام الملک عرب عامری فرزند مصطفی قلی خان سهام السلطنه که آن وقت نایب الحکومه خورویبابانک بود و سابقاً از هم پیمانان نایب حسین و از وی سخت هراسان بود از خور به انارک آمد و از گروه یاغیان کاشی رسماً دعوت کرد برای مدتی به بیابانک آمده در آنجا مدتی اطراق کنند و هرگاه بختیاری ها کاشان را ترک گویند آنان نیز به محل خود بازگردند. خورویبابانک از این حیث بهترین گریزگاه نیروهای یاغی کاشان بود زیرا فاصله طولانی آن تا مرکز امکان لشکرکشی به آن حدود برای نیروهای دولتی را بسیار دشوار می کرد.

یکی از افرادی که در یورش اول نایب حسین به بیابانک از آنجا فرار کرده خود را بازن و فرزندان به نائین رساند. اسدالله منتخب السادات پدر حبیب یغمایی بود، او همانطور که در ابیات بالا ذکر آن رفته در مدت اقامت در نائین دو تن از فرزندان خردسال خود عبدالحسین ادیب آل داود و حبیب یغمائی را به مکتب خانه فرستاد. اما در یورش دوم منتخب السادات غافلگیر شده و به چنگ نایب حسین افتاد و چون شاعر و نویسنده و خوش ذوق بود به زودی توجه ماشاءالله خان فرزند بزرگ نایب حسین را که نسبت به سایر سرکرده ها از کمال و دانش برخوردار بود جلب کرده. او را به همنشینی و مجالست با خود برگزید. اما اتباع نایب حسین اموال او را غارت کرده چیزی برایش باقی نگذاشتند خود او هم به اسارت محترمانه آنان در آمده بود.

سرانجام به پیشنهاد ماشاءالله خان قرار شد در عوض آزادی و استرداد خانه و اموال، او مثنوی بلندی به سبک شاهنامه فردوسی در باب کارها و فتوحات و شهرگشایی های ناییی ها در مدتی کوتاه بسراید و به عبارتی دیگر روزی ۴۰۰ بیت تحویل دهد. سرودن این تعداد ابیات در یک روز البته محال به نظر می رسد اما مسلم است که شاعر در مدتی کوتاه منظومه فوق را به اتمام رساند، و با عجله کتابت کرده است. از منظومه منتخب السادات که خود نام «فتح نامه» بر آن نهاده همان دست نویس نخستین که به خط شاعر است بر جای مانده، یعنی نسخه ای که به

ماشاءالله خان تحویل داده است.

این نسخه را ماشاءالله خان با خود به کاشان برد و در آنجا به فکر چاپش افتاد، پس آن را به ادیب بیضائی شاعر نامی کاشان سپرد تا تصحیحاتی در آن روا دارد و ادیب برخی ابیات را ویرایش و متناسب با اوضاع روز کرد. ماشاءالله خان چاپ آن را آغاز و ۸ صفحه نخست آن را در سال ۱۳۳۱ ق به چاپ رساند اما با آنکه از آن تاریخ تا ۶ سال دیگر زنده ماند نسبت به تکمیل طبع آن اقدامی نکرد. به گفته دکتر آریان‌پور، سراسر این مثنوی چاپ شد ولی همه نسخه‌های آن را به دستور وثوق‌الدوله از میان بردند، روایتی که در صحت آن باید تردید کرد.

اما پس از آنکه شاعر کار سرودن منظومه فتح‌نامه را به انجام رسانده و نسخه را به ماشاءالله خان تقدیم کرد، او از استرداد اموال شاعر خودداری کرد زیرا آنها را افراد زیر دستش بین خود تقسیم کرده و معلوم نبود هر قطعه آن دست چه کسی است.

داستان اجحافات و ستم‌گری‌ها و آدم‌کشی‌های نایب حسین و ماشاءالله خان در خوریابانک قصه‌ای طولانی و پرآب چشم است. ما در این کتاب اصیل‌ترین و درست‌ترین روایت‌ها را آورده‌ایم، همانگونه که حسن نراقی ماجرای اعمال ۲۰ ساله آنان در کاشان را به خوبی روایت کرده و شرح دقیق ماجراها را در کتاب خود موسوم به «کاشان در جنبش مشروطه ایران» به دست داده است. هر چند بعد از نشر این اثر کسانی از فرزندان کاشان ماشاءالله خان، به نویسنده طعنه‌ها و ریشخندها وارد ساخته‌اند.

اثر حاضر حاوی یازده فصل به انضمام بخش منابع و فهرست‌هاست. درین جا مندرجات هر فصل را به اختصار معرفی می‌کند:

فصل اول: شامل دو بخش است: در بخش اول منابع و مآخذ موضوع معرفی، بررسی و ارزیابی شده و به مهمترین مآخذ مختصراً اشاره شده است. بخش دوم گزارشی است در باب پیشینه نایب حسین و نیاکان او.

فصل دوم: گزارش کارها و یورش‌ها و اعمال ددمنشانه نایب حسین و ماشاءالله

خان در کاشان و روستاها و شهرهای نزدیک به آن چون اردستان، قمصر و نطنز و بسیاری از آبادی‌های منطقه وسیع مرکزی ایران است.

فصل سوم: حاوی دو بخش است: بخش نخست گزارش‌های نایب حسین و فرزندان و اتباع و افراد همراه او به ناحیه بیابانک و روستاهای آن منطقه و شرح فجایع اعمال آنان در آنجا در بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ ق است. در بخش دوم این فصل حوادث سال‌های پایان قدرت نایب حسین و ماشاءالله خان گزارش شده، در این سال‌ها نایب حسین به تدریج زمام کارها را به دست ماشاءالله خان سپرده و خود در حاشیه به سر می‌برد. این بخش با شرح دستگیری و اعدام آن دو و چند تن از سرکرده‌هایشان پایان می‌پذیرد.

فصل چهارم: مشتمل بر هشت مقاله در معرفی و نقد کتاب‌هایی که در دهه‌های اخیر در باب نایی‌ها نوشته شده. این نقدها را نگارنده به مناسبت چاپ و انتشار این کتاب‌ها نگاشته و در مجلات معتبر به چاپ رسانده و درین جا به صورت یکجا تجدید طبع می‌گردد.

فصل پنجم: تاریخچه مختصر وقایع خور و بیابانک در عصر ناامنی است یعنی دوره هرج و مرج پس از خروج یاغیان کاشان تا کودتای سال ۱۲۹۹ ش.

فصل ششم: اسناد واقعه نایب حسین و ماشاءالله خان موجود در کتابخانه مجلس به انضمام برخی نامه‌ها و اسناد منتشر نشده سازمان اسناد ملی ایران و چند مرکز دیگر که ذیل هر قسمت، منابع آن ذکر شده است. جمعاً این فصل حاوی ۳۶۵ نامه و سند است.

فصل هفتم: اسناد خانوادگی. حاوی اسناد مجموعه شخصی نگارنده. و آنها نامه‌ها و اسنادی است که از بین اوراق بازمانده از پدر بزرگم اسدالله منتخب‌السادات و پدرم مرحوم عبدالحسین ادیب آل داود استخراج کرده‌ام و کلاً مشتمل بر ۵۵ سند و نامه است.

فصل هشتم: متن اصلی فتح‌نامه نایی سروده منتخب‌السادات که براساس نسخه

خطی منحصر به فرد آن تصحیح شده و مقدمه‌ای بر آن افزوده شده است. این نسخه در اختیار ادیب بیضائی بود و بعدها فرزندش آن را به مرحوم حبیب یغمائی فرزند شاعر اهدا کرد و من زیراکسی از آن را برای خود فراهم آوردم، مرحوم یغمائی سپس اصل نسخه را به دکتر امیرعباس آریان‌پور فرزند کوچک ماشاءالله خان واگذار کرد.

فصل نهم: گزیده فتح‌نامه ساختگی، بخش کوتاهی است از منظومه فتح‌نامه که دو دهه پیش به نام منتخب السادات به چاپ رسانده‌اند. اما اکثر ابیات آن را کسانى از شاعران معاصر سروده و در آن وارد ساخته و چاپ کرده‌اند. چاپی سراسر مخدوش و ساختگی است.

فصل دهم: ضمیمه کتاب و مشتمل بر سه ضمیمه است: اول: ماجرای یورش‌های نایب حسین کاشانی به خوریابانک است در ۴ قسمت که سابقاً در نشریه میراث بهارستان به چاپ رسیده است. دو قسمت اول نوشته شادروان علی اکبر افسر یغمائی، قسمت سوم متن پیاده شده یک مصاحبه از روی نوار و قسمت چهارم شامل دو قسمت مختلف است. ضمیمه دوم: اختناق کاشان درباره انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی در کاشان است. ضمیمه سوم: فهرست اموال منقول و غیرمنقول ماشاءالله خان براساس رساله موجود در سازمان اسناد ملی ایران است. این رساله در ضمن مجموعه اسناد این سازمان که به اهتمام دکتر نوایی و بقائی شیرجینی به چاپ رسیده درج نشده است.

فصل یازدهم: اسناد و تصاویر. درین فصل عکس‌ها و تصاویر متعددی از نایب حسین و ماشاءالله خان و سرکرده‌ها و اتباع آنان از منابع مختلف استخراج و در این فصل جای داده شده است. بیشتر عکس‌ها را از کتاب: «نایبان کاشان براساس اسناد» و «طغیان نایبان» برگرفته‌ام است. بخش دیگر: تصاویر گزیده اسناد و نامه‌هاست و در ذیل هر سند وصف آن آمده است. قسمت آخر کتاب به معرفی منابع و چند فهرست گوناگون اختصاص یافته است.

سالیان متعددی است که نگارنده به طور گهگاه و نه مداوم به تدوین و تکمیل و

نگارش این اثر سرگرم بوده‌ام. زیرا منابع آن متعدد و پراکنده است و انگهی ضرورت داشته تا اقوال شاهدان واقعه را نیز گردآوری کرده و با سنجش آنها با همدیگر و نیز مآخذ مکتوب صورت صحیح قضایا را کشف و ضبط نمایم. کاری که بهر حال دشوار و بسیار وقت‌گیر بوده است، هنوز هم اسناد فراوانی است که باید پژوهشی پیرامون آنها صورت بگیرد. امید است در فرصت‌های آتی این توفیق به دست آمده و در چاپ‌های بعد در تکمیل آن بکوشم.

تهران - ۲۷ اسفند ۱۳۹۳

سیدعلی آل‌داود